

سیاست‌های مذهبی فاطمیان در مصر در دوره‌ی اقتدار (۳۵۸-۴۲۷ق)

احمد بادکوبه هزاوه*

علی بیات**

زینب فضلی***

چکیده

فاطمیان پس از تسلط بر مصر (۳۵۸ ق)، با وجود اتخاذ سیاست تسامح مذهبی، درصدد گسترش عقاید اسماعیلی در این سرزمین برآمدند. پژوهش حاضر، بر آن است تا با تبیین سیاست‌های مذهبی فاطمیان در دوره‌ی اقتدار سیاسی (۳۵۸-۴۲۷ ق)، کوشش‌های خلفای فاطمی را در جهت ترویج و فراگیر کردن مذهب اسماعیلی در مصر، مورد بررسی تحلیلی قرار دهد. در این دوره، به‌رغم کوشش‌هایی که برای فراگیری عقاید اسماعیلی در میان مردم مصر صورت گرفت، سیاست تسامح مذهبی فاطمیان در برابر ادیان و مذاهب دیگر، موجب بی‌نتیجه ماندن این کوشش‌ها شد. **کلیدواژه‌ها:** مصر، خلفای فاطمی، سیاست‌های مذهبی، دوره‌ی اقتدار، تسامح مذهبی.

مقدمه

فاطمیان پس از تسلط بر سرزمین مصر در سال ۳۵۸ق، مرکز سیاسی دولت خود را به شهر جدیدالتأسیس قاهره، انتقال دادند (۳۶۲ق). با توجه به حضور خلیفه‌ی فاطمی یا همان امام اسماعیلی در قاهره، مرکز مذهبی و معنوی اسماعیلیه نیز به مصر منتقل شد. از این‌رو، کوشش‌های قابل توجهی از سوی دولت فاطمی و دستگاه دعوت

* دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران.

** استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران.

*** دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۵/۸۸ تاریخ تأیید: ۰۷/۰۴/۸۹

اسماعیلی برای گسترش این مذهب در مصر صورت گرفت. با وجود این کوشش‌ها و نیز رسمیت داشتن مذهب اسماعیلی، آن هم به مدت بیش از دو قرن، این مذهب جایگاه محکم و استواری در جامعه‌ی مصر و در میان مردم این سرزمین به دست نیاورد؛ به همین دلیل، همزمان با سقوط دولت فاطمی، نفوذ حداقلی مذهب اسماعیلی هم از مصر برچیده شد. بدون شک، موانع و عوامل مختلف و متعدد مذهبی، فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... از فراگیر شدن و تثبیت مذهب اسماعیلی در جامعه‌ی مصر عهد فاطمی، ممانعت کرد. در این نوشتار، کوشش خواهد شد پس از بررسی اقدامات هدفمند حکومت فاطمی برای گسترش عقاید مذهب اسماعیلیه در دورهٔ اقتدار، از عوامل ناکامی فاطمیان در فراگیر کردن مذهب خود در میان اقشار مردم مصر تبیین شود.

جوهر آغازگر سیاست‌های مذهبی فاطمیان در مصر

بنابر آرمان‌های مذهبی و سیاسی اسماعیلیه، یکی از اهداف مهم فاطمیان، به وجود آوردن تغییر در نظام سیاسی - عقیدتی حاکم بر جهان اسلام و قرار گرفتن آن تحت رهبری یک امام اسماعیلی بود.^۱ برای تحقق چنین آرمانی، از همان اوایل تأسیس دولت در مغرب (۲۹۷ق)، فاطمیان سیاست موسوم به «سیاست شرقی» را درباره‌ی سرزمین‌های شرقی جهان اسلام پیش گرفتند.^۲ با توجه به اینکه دولت فاطمی در قسمت غربی سرزمین‌های اسلامی روی کار آمده بود، اولین گام برای دست یافتن به هدف مذکور، تصرف مصر بود.

اقدامات مهم و اساسی فاطمیان برای تسلط بر سرزمین مصر به دو طریق اعزام داعیان برای نشر عقاید اسماعیلی^۳ و اعزام سپاه صورت می‌گرفت.^۱ در اواخر دوره‌ی

^۱. حسین بن فیض الله همدانی، (۱۹۸۶)، بالاشتراك مع حسن سلیمان محمود، الصلیحیون و حركة الفاطمیة فی الیمن، الجهمی، الطبعة الثالثة، منشورات مدینة صنعاء، ص ۱.

^۲. M. Canard, (۱۹۹۱), " FŞ•IMIDS", *Encyclopaedia of Islam*, New Edition, Leiden: E J Brill, vol. ۲, p. ۸۵۲.

^۳. احمد بن علی مقریزی، (۱۹۹۶)، *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء*، تحقیق جمال الدین الشیال و محمد حلمی محمد أحمد، القاهرة: المجلس الأعلى للثئون الاسلامیة، ج ۱، ص ۱۰۲.

اخشیدیان، در نتیجه‌ی فعالیت‌های این داعیان، شماری از مردم مصر جذب فاطمیان شدند. این گروه حداقل از لحاظ سیاسی، با فاطمیان، اظهار همدلی می‌کردند و خواهان سیطره دولت فاطمی بر مصر بودند.

فاطمیان با غلبه بر مشکلات داخلی خود و نیز کسب موفقیت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی در شمال آفریقا، در ۳۵۸ق، به فرماندهی جَوْهَر الصَّقَلی مصر را فتح کردند. با توجه وضعیت آشفته‌ی سیاسی و اقتصادی مصر در اواخر دوره‌ی اخشیدیان و ضعف روزافزون خلافت عباسی،^۲ فتح این سرزمین به آسانی برای سپاه فاطمی میسر گردید. سیاست راهبردی دولت فاطمی در این لشکرکشی، که در واقع، جوهر مجری آن بود، بیشتر بر مبنای تسامح و مدارا و نیز جلب نظر بزرگان، اعیان و همچنین عامه‌ی مردم مصر قرار داشت. از این‌رو در این عملیات نظامی، تا حد امکان از خشونت و بدرفتاری با مردم مناطقی که به دست سپاه فاطمی می‌افتاد، خودداری می‌شد.^۳ روشن است که این رفتار می‌توانست تأثیر زیادی در ایجاد تصویری مثبت از مذهب اسماعیلی و پیروان این مذهب در نزد عامه‌ی مردم مصر داشته باشد.

بر اساس همین سیاست مسالمت‌جویانه، جوهر در مذاکرات صلح با نمایندگان مصری، بیشتر شروط آنان را طی امان‌نامه‌ای تضمین کرد. این امان‌نامه همچون بیانیه‌ای رسمی است که سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، نظامی^۴ و نیز سیاست‌های مذهبی دولت فاطمی در مصر را آشکار می‌سازد. در این امان‌نامه، تمامی آزادی‌های مذهبی و اعتقادی برای مردم مصر محترم شمرده شده بود.^۵

اکنون این سؤال مطرح است که آیا فاطمیان از آغاز فتح مصر درصدد گسترش مذهب اسماعیلی در این منطقه بودند؟ یا تنها به سلطه سیاسی بر این سرزمین راضی بودند؟ برخی از نویسندگان بر این باورند که فاطمیان اصراری بر گسترش دعوت

^۱ نک: احمد بن علی مقریزی، (۱۴۱۸)، *المواعظ و الاعتبار بذكر الخط والایثار* معروف بالخطط، تحقیق خلیل المنصور، بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۲، ص ۵۱؛ ادیس عمادالدین، (۱۹۸۵)، *تاریخ الخلفاء الفاطمیین فی المغرب القسم الخاص من عیون الأخبار*، تحقیق محمد الیعلوی، بیروت: الغرب الاسلامی، ص ۶۶۳.

^۲ نک: ایمن فؤاد سید، (۱۴۱۳)، *الدولة الفاطمیة فی مصر* تفسیر جدید، القاهرة: الدار المصریة البنائیة، ص ۶۵.

^۳ See: *State and Society in Fatimid Egypt*, p. ۱۵-۱۶.

^۴ *اتعاظ الحنفاء باخبار الاثمة الفاطمیین الخلفاء*، ج ۱، صص ۱۰۳-۱۰۷.

^۵ شمس‌الدین ابوالعباس ابن خلکان، (۱۹۶۹)، *وفیات الأعیان و أبناءالزمان*، تحقیق احسان عباس، بیروت: دارالانفاة، ج ۱، ص ۳۷۷؛ ابوعبدالله محمد ابن حماد، (۱۴۰۱)، *أخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم*، تحقیق التهامی نقره و عبدالحلیم عویس، القاهرة: دارالصحوه، صص ۸۵-۸۸.

اسماعیلی در مصر نداشتند،^۱ اما به نظر می‌رسد دادن آزادی مذهبی به مردم، به معنی مسکوت گذاشتن تبلیغ عقاید اسماعیلی در مصر نبود، بلکه فتح آسان مصر، این امید را برای فاطمیان به وجود آورده بود که بتوانند عقاید اسماعیلی را نیز با سهولت در میان مردم این سرزمین اشاعه دهند. به نظر می‌رسد فاطمیان سعی داشتند با ایجاد تصویری مثبت از مذهب اسماعیلی و حکومتی مبتنی بر عقاید و آرمان‌های این مذهب، به صورتی غیرمستقیم مردم را به پذیرش آن تشویق نمایند و در واقع، مردم به خواست و رغبت خود به این مذهب درآیند. لحن جوهر در امان‌نامه، نه تنها لحن یک سردار فاتح نیست، بلکه لحن فردی است که بنا بر تکلیف دینی و مذهبی و به دستور ولی امر خود (المعز)، برای نجات و رهانیدن مردم مصر از مشکلات مختلفی که در نتیجه‌ی حاکمیت ظالمان (یعنی حاکمان سنی همسو با خلافت عباسی) بر آنان رفته به مصر آمده بود.

استقرار دولت فاطمی در مصر، جایگزینی دولتی به جای دولت پیشین نبود.^۲ فاطمیان عقاید مذهبی خاصی داشتند و دعاوی سیاسی‌شان از آن مایه می‌گرفت. برای اولین بار در تاریخ دوره‌ی اسلامی، مصر تحت فرمان حکومت مستقلی قرار گرفت^۳ که حتی ولایت اسمی خلافت عباسی را قبول نداشت. فاطمیان برخلاف دولت‌های طولونیان (۲۵۴-۳۹۲ق) و اخشیدیان (۳۲۳-۳۵۸ق)، داعیه‌دار جنبشی دینی، فکری و اجتماعی مهمی بودند که هدف آن، ایجاد تحول در همه‌ی جهان اسلام بود. از این رو، با ورود به مصر، نقش و اهمیت آن در جهان اسلام به شکلی اساسی متحول شد و مرحله‌ی جدیدی از رویایی اندیشه‌های مذهبی و سیاسی تسنن و تشیع، البته از نوع اسماعیلی آن پدید آمد.

۱. Paula A. Sanders, (۱۹۹۸), "The Fatimid State", *The Cambridge History of Egypt*, vol. I (*Islamic Egypt ۶۴۰-۱۵۱۷*), edited by Carl F. Petry, Cambridge: Cambridge University Press, ۱۷۴.

۲. *الدولة الفاطمية في مصر تفسير جديد*, ص ۷۴.

۳. Walker, Paul E. (۱۹۹۸), "The Ismā'īlī Da'wa and the Fātimimid caliphate", *The Cambridge History of Egypt*, vol. I (*Islamic Egypt ۶۴۰-۱۵۱۷*), edited by Carl F. Petry, Cambridge: Cambridge University Press, ۱۲۱-۱۲۲.

جوهر به مدت چهار سال (۳۵۸ - ۳۶۲ق) فرمانروای مصر بود. در این مدت، تغییرات مذهبی و اداری مهم برای انتقال مرکز خلافت فاطمی از افریقه به مصر صورت گرفت.^۱ از جمله این اقدامات مهم، بنای شهر قاهره و تأسیس نهادهای مذهبی در این شهر بود. از آنجایی که مصر تحت فرمان خلیفه‌ای فاطمی قرار گرفته بود؛ بنابراین، ایجاد تغییراتی که نشان‌دهنده‌ی این امر باشد اجتناب‌ناپذیر بود. در ابتدا، جوهر خطبه را به نام خلیفه و امام فاطمی المعزالدین الله برگرداند و خطبا ملزم به پوشیدن لباس سفید به جای لباس سیاه شدند که شعار عباسیان بود.^۲ ضرب سکه به نام خلیفه‌ی فاطمی اقدام بعدی وی بود.^۳ افزون بر این، با توجه به رسمیت مذهب اسماعیلی در مصر، ناگزیر شعایر و مناسک آن باید به اجرا درمی‌آمد. اولین تغییر رسمی و علنی، در عید فطر سال ۳۵۸ ق اعمال شد.^۴ شمار ایام ماه‌ها نزد اسماعیلیه ثابت بود و توجه چندانی به رؤیت ماه برای آغاز ماه نو در حساب نمی‌کردند.^۵ بر همین اساس، جوهر بدون رؤیت ماه، عید فطر را اعلام کرد و نماز عید را در قاهره برگزار نمود.^۶ در جمادی‌الاولی ۳۵۹ق، جوهر دستور داد عبارت «حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» در اذان خوانده شود. سپس این شیوه در مساجد دیگر مصر از جمله مسجد عتیق (مسجد عمرو بن عاص) مرسوم و معمول شد.^۷ اهمیت تغییر اذان نشان‌دهنده رسمیت مذهب اسماعیلی اسماعیلی در مصر و حاکمیت دولتی اسماعیلی بر این سرزمین بود. بلند خواندن «بسم

^۱ الدولة الفاطمیة فی مصر تفسیر جدید، ص ۷۶.

^۲ وفيات الأعیان و أبناء الزمان، ج ۱، ص ۳۷۹؛ صلاح‌الدین صفدی، (۱۹۸۸)، الوافی بالوفیات، تحقیق مجموعه من العلماء، بیروت: النشرات الإسلامیة، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ اتعاض الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۱، ص ۱۱۹.

^۳ اتعاض الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۱، صص ۱۱۵-۱۱۶؛ برای سکه‌های دوره‌ی فاطمیان، ن.ک.

Lane – pool, stanly (۱۹۸۴), *catalogue of the collection of Arabic coins*, AL-Arab shop, ۱۴۷-۲۰۰.

^۴ Lev, (۱۹۹۱), *State and Society in Fatimid Egypt*, Leiden: E.J Brill, ۱۴۲.

^۵ علم الاسلام ثقة الامام، (۲۰۰۶)، المجالس المستنصریة، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۲۸-۱۲۹.

^۶ اتعاض الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۱، ص ۱۱۶، تاریخ الخلفاء الفاطمیین فی المغرب القسم الخاص من

عیون الأخبار، صص ۶۹۱، ۶۹۹-۷۰۰؛ الدولة الفاطمیة فی مصر تفسیر جدید، ص ۷۹.

^۷ عزالدین أبوالحسن علی بن ابی‌الکرم ابن‌الاثیر، (۱۳۸۵)، *الکامل فی‌التاریخ*، بیروت: دار صادر، ج ۸، ص ۵۹۰؛ وفيات الأعیان و أبناء الزمان، ج ۱، ص ۳۷۹؛ أخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم، ص ۸۵؛ ابوبکر عبدالله ابن‌ایبک الدواداری، (۱۹۶۱)، *کنز الدرر و جامع العرر*، تحقیق صلاح‌الدین المنجد، القاهرة: المعهد الألمانی للآثار، ج ۶، ص ۱۲۵؛ عبدالرحمن بن محمد ابن‌خلدون، (۱۹۸۸)، *دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشان الأكبر*، تحقیق خلیل شحادة، بیروت: دارالفکر، ج ۴، صص ۶۱، ۴۱۰؛ المواعظ و الاعتبار بذکر الخط و الآثار معروف بالخطط، ج ۴، ص ۱۶۱.

الله» در نماز، افزوده شدن رکوع دوم در نماز جمعه، تغییرات بعدی بود که به تدریج اعمال شد. در مقابل، قرائت «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ» و گفتن تکبیر پس از نماز جمعه، که از عادات مرسوم سنیان بود، ممنوع گردید.^۱ بدین ترتیب، در کنار تسلط سیاسی، شعایر مذهبی مختص اسماعیلیه هم به صورت رسمی در مصر به اجرا گذاشته شد، با این امید که مردم مصر به تدریج مذهب اسماعیلی و عقاید آن را بپذیرند.

سیاست‌های مذهبی المعزالدین‌الله و العزیز بالله: ۳۶۲-۳۸۶ق

پس از اینکه با اقدامات سیاسی، نظامی و اصلاحات مذهبی جوهر، قدرت فاطمیان در مصر تثبیت شد، در ۳۶۲ق، المعزالدین‌الله به مصر عزیمت کرد.^۲ با ورود معز به قاهره، این شهر نوپا به پایتخت دولت فاطمی و مرکز دعوت اسماعیلی تبدیل شد^۳ و چنان اهمیتی پیدا کرد که می‌توانست در کنار جنبه‌های سیاسی و اقتصادی، از لحاظ مذهبی و معنوی نیز بغداد را با چالش‌های جدی روبه‌رو سازد.^۴ مقرر امام اسماعیلی که خلیفه‌ی فاطمی نیز به شمار می‌رفت، برای اسماعیلیان، علاوه بر اهمیت سیاسی، از لحاظ مذهبی نیز اهمیت فراوانی داشت.^۵

معز، تنها اندکی بیش از دو سال (۳۶۲-۳۶۴ق) فرصت یافت تا به طور مستقیم، سیاست‌هایش را در مصر پی‌گیری کند. موفقیت بزرگ او، فتح مصر و استقرار دولت فاطمی در این سرزمین بود. با این اقدام، اسماعیلیان با حضور فعال در حیات مذهبی جامعه‌ی مصر، فرصت مناسبی برای اشاعه‌ی عقاید مذهبی‌شان به دست آوردند. با وجود اینکه تسامح مذهبی و مدارا با عقاید رعایای اکثریت سنی و همچنین اهل ذمه

^۱. وفیات الأعیان و أبناء الزمان، ج ۱، ص ۳۷۶؛ نهاییه الأرب فی فنون الأدب، ج ۲۸، صص ۱۳۲-۱۳۳؛ اتعاض الحنفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء، ج ۱، ص ۱۱۷.

^۲. انطاکی، یحیی بن سعید (۱۹۹۰)، تاریخ الانطاکی «المعروف بصله تاریخ أوتیخا»، حقه عمر عبدالسلام تدمری، طرابلس: جروس نرس، ص ۱۴۸؛ الروضة البهیة الزاهرة فی الخطط المعزیة القاهرة، ص ۱۴؛ ۶۳؛ اتعاض الحنفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء، ج ۱، صص ۱۳۴-۱۳۵.

^۳. اتعاض الحنفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء، ج ۱، ص ۱۳۴.

^۴. ن.ک: علی ابراهیم حسن، (۱۹۶۳)، تاریخ جوهر الصقلی، الطبعة الثانية، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية، ص ۳۸.

^۵. Walker (۱۹۹۸), Paul E (۱۹۹۸), "The Ismā'īlī Dā' wa and the Fātimimid caliphate", *The Cambridge History of Egypt*, vol. I, edited by Carl F. Petry, Cambridge University Press., p. ۱۴۱.

(مسیحیان و یهودیان)، در دستور کار معز قرار گرفته بود،^۱ اما پذیرش سلطه‌ی سیاسی فاطمیان از سوی مردم مصر،^۲ این امکان را به وجود آورده بود که در درازمدت و در سایه‌ی حمایت‌های دولت فاطمی از مذهب اسماعیلی و تلاش و استمرار نهادهای مذهبی و سازمان دعوت اسماعیلی، عقاید اسماعیلی به تدریج در میان مردم رسوخ پیدا کرده و جامعه‌ی مصر به جامعه‌ی اسماعیلی مذهب تبدیل شود. از این‌رو معز که از مدت‌ها پیش (در دوره‌ی حکومتش در مغرب)، سیاست تعلیم عمومی عقاید اسماعیلی را در پیش گرفته بود،^۳ در کنار سازماندهی دعوت در قاهره، از جامع الازهر به عنوان مرکزی برای پیگیری سیاست خود مبنی بر نشر مذهب اسماعیلی استفاده کرد.^۴ در صفر ۳۶۵ق، قاضی علی بن نعمان به تدریس «رسالة الاقتصار» پرداخت.^۵ در حقیقت، سیاست استفاده از این جامع برای اشاعه‌ی عقاید اسماعیلی در میان عامه‌ی مردم از زمان معز پایه‌ریزی شد. او قصد داشت با تربیت داعیان و فقهای اسماعیلی^۶ و استفاده‌ی گسترده از آنها در اشاعه‌ی عقاید اسماعیلی، فقه اسماعیلی جایگزین فقه اهل سنت شود.

سیاست دیگری که در راستای گسترش عقاید اسماعیلی در میان مردم، از سوی معز اتخاذ شد، برپایی مناسبت‌های مذهبی شیعی-اسماعیلی بود. بزرگداشت عید غدیر خم و برگزاری جشن وصایت امام علی(ع) از سوی پیامبر(ص) در مصر، از زمان معز آغاز شد.^۷ مناسبت دیگری که مورد توجه قرار گرفت، روز عاشورا بود. بنا بر روایت ابن‌زولاق، در عاشورای ۳۶۳ق، بازارها و مغازه‌ها تعطیل شد و شیعیان به عزاداری و

۱. Shanjool Jiwa, (۲۰۰۳), "Religious Pluralism in Egypt", *The Institute of Ismaili Studies*, www.iis.ac.uk/articles, ۴-۵.

۲. "The Ismā'īlī Dā'irah wa and the Fātimimid caliphate", vol. ۱, p. ۱۳۹.

۳. قاضی نعمان، (۱۹۹۶) *المجالس و المسایرات*، تحقیق الحیب الفقی، ابراهیم مثنوخ و محمد العیلاوی، بیروت: دارالمنتظر، صص ۴۳۵-۴۳۶، ۵۴۶.

۴. احمد بادکوبه و زینب فضلی، (۱۳۸۷)، «عوامل ناکامی مراکز رسمی آموزشی و تبلیغی فاطمیان...»، *نیمسال‌نامه‌ی تاریخ و تمدن اسلامی*، سال چهارم، شماره‌ی هشتم، ۸، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

۵. این رساله، خلاصه‌ای از فقه اسماعیلیه بود و به وسیله‌ی پدرش قاضی نعمان تألیف شده بود.

۶. بایارد داج، (۱۳۶۷)، *دانشگاه الازهر: تاریخ هزار ساله‌ی تعلیمات عالی*، ترجمه‌ی آذرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ص ۱۱.

۷. *المواعظ و الاعتبار بذكر الخط و الآثار معروف بالخطط*، ج ۲، صص ۲۵۵-۲۵۶.

نوحه‌سراییی برای امام حسین(ع) پرداختند.^۱ مراسم عزاداری شهادت امام حسین(ع) و شهادی کربلا در این روز و ذکر مظلومیت اهل بیت که اینک فاطمیان خود را وارث آنها می‌دانستند،^۲ زمان ایده‌آلی برای اسماعیلیان جهت جلب توجه افکار عمومی مردم مصر به سوی عقاید اسماعیلی بود.^۳ علاوه بر عید غدیر خم و روز عاشورا، به تدریج مناسبت‌های مذهبی دیگری مانند میلاد پیامبر(ص)، علی بن ابی‌طالب(ع)، حسن(ع)، حسین(ع) و فاطمه‌ی زهرا(س) مورد توجه قرار گرفت. فاطمیان هر ساله در این روزها جشن‌هایی برگزار می‌کردند.^۴ بزرگداشت این مناسبت‌ها که به نوعی تلاش برای نشان دادن حقانیت فاطمیان و عقاید اسماعیلیه به مردم بود، می‌توانست نقش قابل توجهی در گروش مردم مصر به مذهب اسماعیلی داشته باشد. در اعیاد، با توجه به بذل و بخشش‌های خلفای فاطمی به مردم،^۵ می‌توانستند رغبت و علاقه‌ی مصریان، به ویژه عامه‌ی مردم را برای پذیرش مذهب اسماعیلی افزایش دهند. این سیاست تا پایان دوره‌ی فاطمیان، با شکوه تمام ادامه یافت.

به طور کلی، معز برای گسترش مذهب اسماعیلی در مصر، اقدامات قابل توجهی انجام داد، تا جایی که در دوره‌ی او، در مکه و مدینه هم، خطبه به نام خلیفه‌ی فاطمی، یعنی امام اسماعیلی خوانده می‌شد.^۶ بدون شک خوانده شدن خطبه در مکه و مدینه (حرمین) به نام خلیفه‌ای اسماعیلی، می‌توانست تأثیرات زیادی در بهبود جایگاه مذهب اسماعیلی در نظر بسیاری از مسلمانان داشته باشد. در واقع، معز بنیان‌گذار سیاست‌های کلی فاطمیان در مسایل مذهبی و خطمشی‌های اشاعه‌ی عقاید اسماعیلی در مصر بود.

^۱. همان، ج ۲، ص ۳۲۹.

^۲. همان، ج ۲، ص ۳۲۹-۳۳۰؛ ۴۳۶-۴۳۷.

^۳ Devin J. Stewart, (۱۹۹۶), "Popular Shiism in Medieval Egypt: Vestiges of Islamic Secearian Polemics in Egyptian Arabic", *Studica Islamica*, (n.d), N ۸۴, p. ۵۳.

^۴. المواعظ و الاعتبار بذکر الخط و الآثار معروف بالخطوط، ج ۲، ص ۴۳۶؛ عبدالمنعم ماجد، (۱۴۱۴)، ظهور الخلافه الفاطمیة و سقوطها فی مصر، القاهرة: دارالفکر العربی، ۲۷۱-۲۷۲.

^۵. ن.ک: المواعظ و الاعتبار بذکر الخط و الآثار معروف بالخطوط، ج ۲، ص ۴۳۶ به بعد.

^۶. ناصر خسرو قبادیانی مروزی، (۱۳۸۱)، سفرنامه‌ی ناصر خسرو، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات زوار، ص ۱۳۲؛ المواعظ و الاعتبار بذکر الخط و الآثار معروف بالخطوط، ج ۲، ص ۱۹۰.

پس از معز (د. ۳۶۵ ق)، پسر و جانشین او ابومنصور نزار با لقب العزیز بالله (۳۶۵-۳۸۶ ق)، عهده‌دار استمرار سیاست‌های مذهبی شد. بنا بر اطلاعات منابع، در این دوره، تغییر چندانی نسبت به دوره‌ی معز، در امر نشر و گسترش مذهب اسماعیلی در میان مردم به وجود نیامد. یعقوب بن کلس، وزیر عزیز، علاوه بر اینکه در بهبود اوضاع اقتصادی مصر و به طور کلی سامان بخشیدن به سازمان‌ها و نهادهای دولت فاطمیان در مصر نقش برجسته‌ای ایفا کرد، در ساماندهی سازمان دعوت اسماعیلی و نشر آن و نیز تعلیم فقه اسماعیلی خدمات ارزنده‌ای ارائه داشت و در واقع، عهده‌دار بخش زیادی از فعالیت‌های مربوط به دعوت اسماعیلی در دوره‌ی عزیز بود.^۱ او با هدف سازماندهی دعوت اسماعیلی، تعداد زیادی از فقها و علمای اسماعیلی را نزد خود گرد آورد و با حمایت‌های مالی، به تشویق و ترغیب آنها به امر تعلیم و اشاعه‌ی عقاید اسماعیلی در میان مردم پرداخت. در کنار این، خود نیز روزهای جمعه در جامع الازهر فقه اسماعیلی را بر اساس کتاب تألیفی خود موسوم به «الرساله الوزیریة» تعلیم می‌داد. از آنجایی که تعلیم عقاید اسماعیلی به خواص و عامه‌ی مردم هدف اصلی این مجالس و جلسات بود، علاوه بر قضاات، فقها، قرآ و اهل حدیث، ورود عموم مردم هم برای شرکت در این جلسات آزاد بود.^۲ در این دوره، تألیفات ابن کلس مبنای فقهی حکومت از جمله صدور فتوا قرار گرفت.^۳ اقدام جالب توجهی که در راستای سیاست فراگیر کردن عقاید اسماعیلی انجام گرفت، تدریس آثار فقهی ابن کلس و آرای فقهی اسماعیلی در جامع عتیق در فسطاط بود.^۴ از آنجایی که این جامع، مرکز تجمع علمای اهل سنت بود، این اقدام، اهمیت زیادی داشت. عزیز نیز شخصاً از فعالیت‌های وزیر خود در این عرصه حمایت می‌کرد. در سال ۳۷۲ ق وی مستمری خاصی را برای یک گروه سی و پنج نفری از فقهایی تعیین کرد که با او در امر گسترش دعوت اسماعیلی همکاری می‌کردند.^۵

با وجود اینکه در دوره‌ی عزیز هم به مانند دوره‌ی معز، تسامح و مدارا با اهل سنت در دستور کار دولت فاطمی قرار داشت، اما محدودیت‌هایی در ادای برخی از مناسک

^۱. نک: المواعظ و الاعتبار بذکر الخط و الآثار معروف بالخط، ج ۴، ص ۱۶۲.

^۲. همان، ج ۴، صص ۱۶۲، ۲۰۰.

^۳. همان، ج ۴، صص ۱۶۲.

^۴. همان جا.

^۵. همان جا.

مذهبی بر آنها اعمال شد. در سال ۳۷۲ ق به دستور عزیز، برگزاری نماز تراویح ممنوع شد و در همه‌ی شهرهای مصر از اقامه‌ی آن جلوگیری شد.^۱ آموزش فقه اهل سنت نیز ممنوع اعلام شد. به گزارش مقریزی، در سال ۳۸۱ ق یکی از مصریان به جرم همراه داشتن کتاب «الموطا» مالک بن انس، به شدت مجازات شد و برای عبرت دیگران، او را در شهر گرداندند.^۲ البته این گونه برخورد‌های قهرآمیز به معنی تغییر سیاست تسامح با اهل سنت نبود. فاطمیان در این دوره سعی داشتند فقه اسماعیلی را در مصر جایگزین فقه رایج اهل سنت کنند و بی‌شک مجازات این فرد هم به جرم به همراه داشتن یک کتاب فقهی سنی، بیشتر به این دلیل بود.^۳

سیاست تسامح مذهبی فاطمیان با اهل سنت موجب شد تا با وجود حضور دولت شیعی اسماعیلی، طبقه‌ی علمای این مذهب، جایگاه خود را به عنوان متولیان و حامیان اصلی مذهب تسنن در جامعه‌ی مصر حفظ کرده^۴ و به حمایت و تقویت عقیده‌ی خود بپردازند و از تضعیف آن در میان مردم مصر جلوگیری کنند. به عبارت دیگر، به رغم رسمیت داشتن مذهب اسماعیلی، مذهب تسنن همچنان به قوت خود در مصر باقی ماند. علمای سنی، در مساجد فسطاط، آزادانه به تقویت مذهب تسنن می‌پرداختند.^۵ این تسامح، تنها اختصاص به سنیان نداشت، بلکه شامل حال مسیحیان و یهودیان نیز می‌شد،^۶ تا جایی که عیسی بن نسطورس مسیحی به وزارت رسید.^۷ سیاست تسامح‌گرایانه‌ی عزیز نسبت به اهل ذمه، مایه‌ی رنجش روزافزون رعایای مسلمان مصری که اغلب بر مذهب اهل سنت بودند، گردید^۸ و موجب واکنش شدید آنها به شکل غارت چند کلیسا و کشتن عده‌ای از مسیحیان در ۳۸۶ ق پس از مرگ عزیز شد.^۹

^۱. تاریخ الانطاکی، ص ۱۹۳؛ المواعظ و الاعتبار بذکر الخط و الآثار معروف بالخطط، ج ۴، ص ۱۶۳.

^۲. المواعظ و الاعتبار بذکر الخط و الآثار معروف بالخطط، ج ۴، ص ۱۶۳.

^۳. See: *State and Society in Fatimid Egypt*, pp. ۱۳۴- ۱۳۵.

^۴. شهاب‌الدین قلقشنندی، (۱۹۳۸)، *صُبح الأعی فی صناعة الإنشاء*، القاهرة: دارالکتب المصریة، ج ۳، ص ۵۹۸.

^۵. حسن ابراهیم حسن، (۱۹۸۸)، *تاریخ الدولة الفاطمیة فی المغرب و مصر و سوریه و بلاد العرب*، القاهرة: مکتبة النهضة المصریة، ص ۲۰۲.

^۶. *الکامل فی التاریخ*، ج ۹، ص ۷۷.

^۷. همان جا.

^۸. همان، ج ۹، ص ۱۱۵؛ *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء*، ج ۱، ص ۲۹۷.

^۹. *المواعظ و الاعتبار بذکر الخط و الآثار معروف بالخطط*، ج ۳، صص ۳۴۳-۳۴۴، ج ۴، ص ۷۵.

سیاست‌های مذهبی الحاکم بامرالله و الظاهر لاعزاز دین الله: ۳۸۶-۴۲۷ق

پس از مرگ عزیز در ۳۸۶ق، الحاکم بامرالله در سن یازده سالگی به حکومت رسید. خردسال بودن خلیفه‌ی جدید موجب شد تا قدرت در دست صاحب‌منصبان دربار فاطمی، مانند حسن بن عمار مغربی و سپس برجوان قرار گیرد که کفالت الحاکم را بر عهده داشتند.^۱ این وضعیت تا سال ۳۹۰ق ادامه پیدا کرد تا اینکه حاکم، برجوان و ابن‌عمار را از میان برداشت و خود قدرت را در دست گرفت.^۲

دوره‌ی حاکم (۳۸۶-۴۱۱ق) شاهد افت‌وخیزهای زیادی در سیاست‌های مذهبی فاطمیان در قبال پیروان ادیان و مذاهب دیگر، یعنی اهل‌ذمه و اهل سنت بود.^۳ حاکم پس به دست گرفتن امور، تا سال ۳۹۵ق، توجه ویژه‌ای به عقاید اسماعیلی و انجام آداب و شعایر مذهب اسماعیلی، به ویژه اخلاق اجتماعی داشت.^۴ تا این زمان (دوره‌ی حاکم)، روح کلی تسامح مذهبی با اهل سنت و اهل ذمه از سوی فاطمیان حفظ شده بود. اما حاکم چندان به سیاست تسامح پایبند نبود.

از سال ۳۹۵ق، بر سخت‌گیری‌های مذهبی حاکم افزوده شد. در ۷ محرم این سال، مقررات (فقه) اسلامی درباره‌ی اهل ذمه به اجرا درآمد. به دستور خلیفه‌ی فاطمی، برای نصارا و یهودیان، پوشیدن لباس‌هایی که آنان را از مسلمانان متمایز کند، اجباری شد.^۵ تغییر سیاست دولت فاطمی در قبال اهل ذمه، برخلاف بسیاری از اظهار نظرها، ناشی از اعمال شگفت‌آور شخص حاکم نبود،^۶ بلکه با هدف خاصی انجام می‌گرفت. سیاست مسالمت‌جویانه و تسامح‌آمیز، نه تنها موجب علاقه‌مندی غیرمسلمانان به اسلام و مذهب اسماعیلیه نشده بود، بلکه موقعیت آنها را در جامعه‌ی

^۱ دیوان‌المتبدا و الخبر، ج ۴، ص ۷۱؛ *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء*، ج ۲، ص ۱۴.

^۲ ابوالقاسم علی ابن‌الصیرفی، (۱۹۹۰)، *القانون فی دیوان‌الرسائل و الاشارة الی من نال الوزارة*، تحقیق ایمن فؤاد سید، القاهرة: الدار المصریة اللبنانیة، ص ۵۸؛ تاج‌الدین محمد ابن‌میسر، (۱۹۸۱)، *أخبار مصر*، حققه ایمن فؤاد سید، القاهرة: المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیة، ص ۱۸۱؛ *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء*، ج ۲، صص ۲۵-۲۶؛ ادربس عمادالدین، (۱۴۰۴)، *عیون الأخبار و فنون الآثار*، السبع السادس، حققه مصطفی غالب، بیروت: دارالاندلس، ج ۶، صص ۲۵۴-۲۵۷.

^۳ ن.ک: *دیوان‌المتبدا و الخبر*، ج ۴، ص ۷۶.

^۴ *الدولة الفاطمیة فی مصر* تفسیر جدید، ص ۱۰۰.

^۵ *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء*، ج ۲، صص ۵۳-۵۴.

^۶ *أخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم*، ص ۹۶؛ *مسالك الابصار فی ممالک الامصار*، ج ۲۴، ص ۱۰۶.

مصر و قلمرو فاطمیان بیش از پیش تثبیت کرده بود. همین عوامل، موجب شد تا از این زمان، به تدریج بر سخت‌گیری‌ها بر غیرمسلمانان افزوده شد به طوری که در سال ۳۹۸ق به دستور حاکم، کلیسای قُمامَه (القیامَه) در بیت المقدس ویران شد و اموال آن به غارت رفت. حتی دستوری مبنی بر تخریب کلیساها و کنیسه‌ها در دیگر ولایت‌های قلمرو فاطمیان نیز صادر گشت، اما به دلیل ترس از اینکه مسیحی‌ها درصدد مقابله به مثل برآیند و مساجد موجود در بلادشان را ویران کنند، از انجام این کار خودداری شد.^۱ بخش دیگری از محدودیت‌های شدیدتر نیز از سال ۴۰۳ق به اجرا درآمد. تعداد زیادی از کلیساها و کنیسه‌ها ویران و به مسجد تبدیل شد و اموال و عایدات آنها مصادره گردید.^۲ حتی دستور داده شد اهل ذمه یا به دین اسلام درآیند و یا به سرزمین روم مهاجرت کنند.^۳ اجباری شدن انجام کارهای تحقیرآمیزی مانند انداختن صلیب‌های چوبی و استفاده از قاطر و الاغ بدون زین و افسار،^۴ همچنین ممانعت از ورود آنها به حمام‌های مسلمانان،^۵ بیشتر با هدف اجبار اهل ذمه برای پذیرش اسلام و در واقع، قبول مذهب اسماعیلی بود. در نتیجه‌ی همین سیاست قهرآمیز با اهل ذمه، شماری از آنان به اسلام گرویدند و شمار زیادی هم به ناچار، تظاهر به اسلام کردند.^۶ درباره‌ی رفتار خشن حاکم با اهل ذمه اظهار نظرهای مختلفی شده است. دفتری سیاست ضد ذمی او را ناشی از میل او به افزایش محبوبیت خود در میان مسلمانان مصر دانسته است.^۷ اگرچه سخت‌گیری بر اهل ذمه در مصر، که از زمان آمدن فاطمیان، نسبت به ادوار پیش، از جایگاه قابل توجهی برخوردار شده بودند،^۸ می‌توانست رضایت مسلمانان مصر را - که اکثر آنها سنی بودند- به همراه داشته باشد،

^۱ تاریخ الانطاکی، ص ۴۶۳؛ سفرنامه‌ی ناصر خسرو، ص ۷۵؛ ابوالفرج ابن الجوزی، (۱۳۵۹)، المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم، دائرة المعارف العثمانیة، ج ۱۵، صص ۶۰-۶۱؛ اتعاض الحنفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء، ج ۲، صص ۷۴-۷۵.
^۲ نهاییه الأرب فی فنون الأدب، ج ۲۸، صص ۱۹۱-۱۹۲؛ اتعاض الحنفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء، ج ۲، ص ۹۴.
^۳ تاریخ الانطاکی، صص ۲۷۸-۲۸۰؛ اتعاض الحنفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء، ج ۲، صص ۴۸، ۵۳، ۷۵، ۸۵، ۹۳-۹۵، ۱۰۰.

^۴ المواعظ و الاعتبار بذکر الخط و الآثار معروف بالخطوط، ج ۴، ص ۱۶۳.

^۵ اتعاض الحنفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء، ج ۲، ص ۱۰۰.

^۶ همان، ج ۲، صص ۹۳-۹۵.

^۷ فرهاد دفتری، (۱۳۷۵)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، ص ۲۱۹.

^۸ Jacob Mann, (۱۹۲۰), *The Jews in Egypt and in Palestin under the Fatimid*

Caliphs, Oxford: Oxford University Press, p. ۱۶.

اما به نظر می‌رسد این اظهار نظر چندان مطابق با واقعیت‌های تاریخی این دوره نباشد. اعمال محدودیت‌ها بر ضد اهل ذمه (محرّم ۳۹۵ق)، با اتخاذ سیاست قهرآمیز با عقاید اهل سنت و دستور ممنوعیت برخی شعائر مذهبی اهل سنت و سب سه خلیفه‌ی اول و برخی صحابه‌ی دیگر (صفر ۳۹۵ق)، از نظر زمانی، نزدیک به هم است. بنابراین، نمی‌توان تصور کرد که سخت‌گیری بر اهل ذمه، صرفاً برای جلب نظر اهل سنت و افزایش محبوبیت حاکم در میان آنان بوده باشد. در واقع می‌توان گفت که برخورد قهرآمیز با اصحاب و عقاید ادیان و مذاهب دیگر، از این زمان آغاز شد و این چرخشی اساسی در سیاست و خط مشی تبلیغاتی اسماعیلیان بود؛ سیاستی که پس از مدتی در ۳۹۷ق متوقف شد.

سیاست‌های حاکم در حوزه مسایل مذهبی کوتاه زمان بود. بر همین اساس، سخت‌گیری بر اهل ذمه با همان شدت اولیه ادامه پیدا نکرد. تا جایی که در اواخر حکومت وی مدارا در دستور کار قرار گرفت؛ به طوری که در سال ۴۰۸ق به یهودیان و مسیحیانی که در نتیجه‌ی سیاست‌های او در قبال اهل ذمه، مجبور به پذیرفتن اسلام شده بودند، اجازه داد تا به کیش اصلی خود باز گردند. وی همچنین بعضی از کلیساها را مرمت کرد و نظر مساعدتری نسبت به مسیحیان و اعمال دینی آنها اتخاذ نمود.^۱

تغییر خط مشی سیاست مذهبی دولت فاطمی در دوره‌ی حاکم با اصحاب و عقاید ادیان و مذاهب دیگر، از تسامح و مدارا به برخورد قهرآمیز و غیرمسالمت‌جویانه، در شیوه‌ی برخورد و تعامل دولت فاطمی با اهل سنت مصر نیز کاملاً واضح و آشکار است. در دستوری درباره‌ی اهل ذمه، مبنی بر اجباری شدن بستن زنار و پوشیدن لباس‌هایی متفاوت از مسلمانان که، در هفتم محرّم سال ۳۹۵ق و در اکثر جوامع (مساجد) خوانده شد، دو خلیفه‌ی اول (ابوبکر و عمر) نیز مورد قدح و طعن قرار گرفتند.^۲ در صفر همین سال، مخالفت با عقاید اهل سنت، به صورت علنی و رسمی آشکار شد. نوشتن لعن و سب سه خلیفه‌ی اول (ابوبکر، عمر و عثمان) و بعضی از صحابه‌ی دیگر بر روی دیوارهای جامع عتیق، سردر مغازه‌ها، حجره‌ها و مقابر و

^۱. المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، ج ۱۵، صص ۶۰-۶۱.

^۲. نک: انعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۲، ص ۵۳.

مکانهای عمومی اجباری شد.^۱ همچنین از برگزاری نماز تراویح جلوگیری شد.^۲ سیاست‌های قهرآمیز درباره‌ی عقاید اهل سنت، در کنار سخت‌گیری بر اهل ذمه، نشان می‌دهد که حاکم درصدد برآمده بود تا با مخالفت رسمی و علنی با اهل ذمه و عقاید اهل سنت، زمینه‌ی تضعیف اهل سنت و غیرمسلمانان را فراهم آورده و بسترهای لازم برای اشاعه و فراگیر شدن مذهب و عقاید اسماعیلی را در مصر مهیا سازد.

به نظر می‌رسد در این مقطع زمانی، دولت فاطمی با کنار نهادن سیاست تسامح مذهبی، درصدد بود تا تغییر اساسی و بنیادینی را در سیاست‌های خود در رفتار با جوامع غیر اسماعیلی مصر به وجود آورد. از همین رو، حاکم، سخت‌گیری بر اهل ذمه و نیز اهل سنت را همزمان (۳۹۵ق) آغاز کرد. اما وقوع پاره‌ای از حوادث و موانع داخلی، موجب عدم استمرار چنین سیاستی در قبال اهل سنت شد. مهم‌ترین این موانع، وقوع شورش‌ی مخاطره‌آمیز به رهبری ابورکوه بود که به فاصله‌ی زمانی اندکی پس از اجرای سیاست قهرآمیز حاکم با عقاید اهل سنت و در ۳۹۵ق به وقوع پیوست. با وجود اینکه این شورش، در نهایت در ذی‌الحجه‌ی ۳۹۶ق فروخوابانده شد (جمادی‌الآخر ۳۹۶ق)،^۳ اما از آنجایی که با همدلی و حمایت ضمنی تعداد قابل توجهی از مردم سرزمین مصر همراه شده بود،^۴ موجب تجدید نظر حاکم درباره‌ی سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ی او در قبال اهل سنت و اعتقادات آنها شد.

حاکم که به علت همدلی مردم (سنی مذهب) با شورشیان، متوجه شکاف میان دولت اسماعیلی فاطمی با مردم سنی مذهب مصر شده بود و خطرات ناشی از این مسأله را در قیام ابورکوه لمس کرده بود،^۵ درصدد برآمد تا از مردم دلجویی کرده و آنها

^۱ همان، ج ۲، صص ۵۳-۵۴؛ المواعظ و الاعتبار بذكر الخط و الآثار معروف بالخط، ج ۴، صص ۱۶۳-۱۶۴؛ ابن تغری بردی (۱۳۸۳)، ۱۷۶/۴-۱۷۷.

^۲ النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۴، ص ۱۷۷.

^۳ برای آگاهی از شورش ابورکوه، ن. ک: نهاییه الأرب فی فنون الأدب، ج ۲۸، صص ۱۸۰-۱۸۵؛ اتعاط الخفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء، ج ۲، صص ۶۰-۶۷؛ احمد بن علی مقربزی، (۱۹۵۷)، الاغاثة الامة بکشف الغمّة، تحقیق محمد مصطفی زیاده و جمال الدین الشیبالی، القاهرة: بی‌نا، ص ۶۴؛ عیون الأخبار و فنون الآثار، ج ۶، صص ۲۵۹-۲۷۲.

^۴ عیون الأخبار و فنون الآثار، ج ۶، ص ۲۵۹.

^۵ پل ای. واکر، (۱۳۸۳)، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی: تاریخ فاطمیان و منابع آن، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، ص ۷۲.

را به سوی خود جلب کند. البته مقاومت مردم سنی مذهب در برابر سبّ صحابه^۱ نیز در اتخاذ این تصمیم تأثیر زیادی داشت.^۲ از این رو، نرمش و مدارا با عقاید اهل سنت در دستور کار قرار گرفت و دستور داده شد تا سبّ صحابه که بر روی دیوارهای مساجد، ابواب و مکان‌های دیگر نوشته شده بود، پاک شود.^۳ در رمضان ۳۹۷ق، محدودیت‌های اعمال شده برای انجام برخی از شعایر مذهب تسنن، به دستور حاکم برداشته شد. تغییر سیاست حاکم در قبال اهل سنت در این زمان، تا حدی بود که عدم ذکر عبارت «حَتَّىٰ عَلَىٰ خَيْرِ الْعَمَلِ» در اذان، برای اهل سنت مجاز شمرده شد و سبّ صحابه به طور کامل لغو گردید.^۴ همچنین تعدادی از علما و بزرگان اهل سنت، از جمله الحافظ عبدالغنی بن سعید، أبواسامه جناده بن محمد اللغوی و أبوالحسن علی بن سلیمان المقری را در زمره‌ی متولیان دارالحکمه (دارالعلم) قرار داده شدند.^۵ با این حال، این شرایط مدت زیادی به طول نینجامید و در سال ۳۹۹ق أبواسامه اللغوی و ابوالحسن الانطاکی، به قتل رسیدند و عبدالغنی بن سعید به ناچار خود را مخفی کرد.^۶ حاکم علاوه بر تغییرات بنیادین در خط مشی سیاست مذهبی و تعامل با غیر اسماعیلیان، توجه بیشتری به گسترش دعوت اسماعیلی کرد و شخصاً بر سازمان دعوت و تربیت داعیان نظارت می‌کرد. داعیان فاطمی که به دقت برگزیده می‌شدند، پس از تربیت در دارالحکمه و دیگر نهادهای تربیتی داعیان در قاهره، برای امر دعوت، به نقاط مختلفی در قلمرو فاطمیان و دیگر سرزمین‌های اسلامی گسیل می‌شدند.^۷ داعیان در نواحی مختلف روستایی و شهری مصر، مشغول تبلیغ مذهب اسماعیلی

^۱ اتعاض الحنفاء باخبار الائمه الفاطميين الخلفاء، ج ۲، ص ۶۷: المواعظ و الاعتبار بذكر الخط و الآثار معروف بالخطط،

ج ۴، ص ۷۳.

^۲ "Popular Shiism in Medieval Egypt: Vestiges of Islamic Secular Polemics in Egyptian Arabic", p. ۵۴;

یوسف عیش، (۱۳۷۲)، کتابخانه‌های عمومی و نیمه‌عمومی عربی در قرون وسطی (بین‌النهرین، سوریه و مصر)، ترجمه

اسدالله علوی، مشهد: آستان قدس رضوی، ص ۹۸.

^۳ المواعظ و الاعتبار بذكر الخط و الآثار معروف بالخطط، ج ۴، ص ۱۶۴.

^۴ اتعاض الحنفاء باخبار الائمه الفاطميين الخلفاء، ج ۲، ص ۷۸.

^۵ صبح الأعی فی صناعة الإنشاء، ج ۳، ص ۵۲۰: اتعاض الحنفاء باخبار الائمه الفاطميين الخلفاء، ج ۲، ص ۸۰.

^۶ وفیات الأعیان و أبناء الزمان، ج ۱، ص ۳۷۲: اتعاض الحنفاء باخبار الائمه الفاطميين الخلفاء، همان جا.

^۷ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۲۳.

بودند و تعداد قابل توجهی در دارالحکمه جمع می‌شدند تا به تقریرات مختلف علمای شیعی (اسماعیلی) گوش فرا دهند.^۱

یکی از مراکز اصلی دعوت اسماعیلی که با نام حاکم پیوند خورده است، دارالعلم الحاکم است که دارالحکمه هم خوانده شده است. این مرکز در سال ۳۹۵ق آغاز به کار کرد.^۲ انتقال بخشی از گنجینه‌ی کتاب‌های کاخ فاطمیان به دارالعلم و استقرار فقها، قرآ، منجمان، علمای علوم نحوی و زبان عربی و نیز اطبا، نشان‌دهنده‌ی انگیزه و هدف حاکم برای ایجاد یک مؤسسه‌ی علمی است.^۳ با وجود این، با قرار گرفتن این مرکز زیر نظر داعی الدعاء، در سال‌های پس از تأسیس آن، این نهاد به یکی از مراکز اصلی نشر دعوت اسماعیلی تبدیل گردید. عقاید اسماعیلی که از زمان معز حکمت خوانده می‌شد، در تالارهای درس و خطابه‌ی این مؤسسه تعلیم داده می‌شد و در همین جا نیز داعیان تربیت می‌یافتند. حاکم اغلب در مجالس درس دارالحکمه که بعضی از آنها صرفاً برای اسماعیلیان بود، حضور پیدا می‌کرد. در عین حال، بعضی از فقهای سنی نیز مجاز بودند که در دارالحکمه تدریس کنند.^۴

با وجود این تلاشها برای نشر مذهب اسماعیلی، در سال‌های آخر حکمرانی حاکم، شقاق میان داعیان فاطمی، پیدایش فرقه‌ی معروف به «دَرَزِیَه»^۵ را در پی داشت. این فرقه‌ی جدید به علت غلو و عقاید بدعت‌آمیز آن از سوی اسماعیلیان، طرد شد. با وجود این و فارغ از چگونگی پدید آمدن دروزیه، ظهور این مذهب بدعت‌آمیز که حاکم خلیفه‌ی فاطمی را تا حد الوهیت بالا بردند، موجب شقاق در دعوت اسماعیلی و بدبینی هرچه بیشتر سنیان و رویگردانی آنها از مذهب و عقاید اسماعیلی می‌گردید. از این رو، رهبران دعوت رسمی فاطمی، مجبور به عکس‌العمل در مقابل عقاید غلوآمیز دروزیان شدند و حمیدالدین کرمانی به تألیف آثاری به منظور مقابله با آنها پرداخت^۶ که تا حدی در جلوگیری از اشاعه‌ی اندیشه‌های تندروانه‌ی جدید مؤثر افتاد. پیروان دروزیه

^۱. همان‌جا.

^۲. الموعظ و الاعتبار بذكر الخط والآثار معروف بالخطوط، ج ۲، ص ۳۷۹.

^۳. همان‌جا؛ انعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، ج ۲، ص ۵۶.

^۴. صبح الأعمش فی صناعة الإنشاء، ج ۳، ص ۴۱۳.

^۵. منسوب به محمد بن اسماعیل ملقب به الدَرَزِی از داعیان اسماعیلی که از سال ۴۰۸ق به الوهیت الحاکم دعوت می‌کرد (تاریخ الانطاکی، ص ۳۳۴).

^۶. برای تفصیل درباره‌ی حمیدالدین کرمانی و آثار و افکار او، ن. ک: پل ای. واکر، (۱۹۸۰)، حمیدالدین کرمانی، ترجمه سیف‌الدین القصیر، دمشق: المدی، ۲۵-۱۹۸.

پس از ناپدید شدن حاکم در ۴۱۱ ق و در سال‌های نخست حکمرانی ظاهر- جانشین حاکم- به شدت تحت تعقیب و آزار قرار گرفتند. با این حال، پدید آمدن دروزیه موجب اشتغال فاطمیان به مقابله با آنها و غفلت از امر دعوت شد.^۱

پس از حاکم، یکی دیگر از خلفای کم سن و سال فاطمی به نام الظاهر لاعزاز دین‌الله، در حالی که بیش از شانزده سال نداشت، به خلافت و به عبارت دیگر، امامت اسماعیلیه رسید^۲ و عمه‌اش ست‌الملک، کفالت او و در واقع، قدرت را در دست گرفت.^۳ ست‌الملک تا زمان مرگش (۴۱۵ ق) قدرت را در دست داشت و پس از او نیز قدرت سیاسی واقعی به دست وزیر ظاهر، علی بن احمد الجرجرائی افتاد تا با مشارکت افراد بانفوذ دیگر و بدون دخالت خلیفه‌ی جوان و بی‌تجربه، حکمرانی کند.^۴

در منابع، اطلاعات اندکی درباره‌ی سیاست‌های مذهبی دولت فاطمی، در دوره‌ی ظاهر (۴۱۱-۴۲۷ ق)، وجود دارد. ولی بر اساس همین اطلاعات اندک، در این دوره خط‌مشی جدیدی برای اشاعه‌ی عقاید اسماعیلی اتخاذ شد. به نظر می‌رسد در این زمان، دستگاه سیاسی و مذهبی فاطمیان متوجه شده بود که با حضور و فعالیت گروه‌های مذهبی غیر اسماعیلی به ویژه علمای سنی مالکی که از جایگاه والایی در جامعه‌ی مصر برخوردار بودند و با تمام توان خود از ضعیف شدن اعتقاد مردم مصر به مذهب تسنن ممانعت می‌کردند، نمی‌توانند به راحتی عقاید اسماعیلی را در میان توده‌ی مردم اشاعه و گسترش دهند. در سال ۴۱۶ ق علمای سنی مالکی به دستور ظاهر از سرزمین مصر اخراج شدند. علاوه بر این، به داعیان دستور داده شد تا مردم را به حفظ کردن عمده‌ترین کتاب‌های اعتقادی و فقهی اسماعیلی یعنی «دعائم الاسلام» قاضی نعمان و کتاب فقهی یعقوب بن کلس از جمله «الرسالة الوزیریة» وادارند. حتی برای ترغیب مردم برای حفظ کردن این کتاب‌ها که با هدف اشاعه‌ی هرچه بیشتر اعتقادات اسماعیلی در میان آنها صورت می‌گرفت، تشویق مالی نیز در نظر گرفته شد و هر کسی که موفق به انجام آن می‌شد، می‌توانست مبلغی را از

^۱ برای آگاهی بیشتر درباره‌ی دروزیه، چگونگی پدید آمدن و عقاید آنها، ن. ک: انطاکی (تاریخ الانطاکی، صص ۳۳۴-۳۴۴؛ سلیمان سلیم علم‌الدین، (۱۹۹۸)، *دعوة التوحید الدرزیة*. بیروت: نوفل، صص ۴۰۳-۵۱۷.

^۲ *عیون الأخبار و فنون الآثار*، ج ۶، صص ۳۰۳-۳۰۵.

^۳ أحمد بن الازرق فارقی، (۱۳۷۹)، *تاریخ الفارقی*، حقه بدوی عبداللطیف عوض، راجعه محمد شفیق غربال، القاهرة: الهيئة العامة لشئون المطابع الامیریة، ص ۱۲۰؛ *أخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم*، ص ۱۰۳.

^۴ *وفیات الأعیان و أبناء الزمان*، ج ۳، ص ۴۰۷؛ *الکامل فی التاریخ*، ج ۹، ص ۳۱۷.

دستگاه فاطمی دریافت کند.^۱ داعیان اسماعیلی، بر اساس این سیاست، مناظرات مذهبی در جوامع (مساجد) را نیز در دستور کار خود قرار دادند.^۲ در سایه‌ی سیاست‌های ظاهر، داعیان فاطمی در سرزمین‌های شرقی جهان اسلام پراکنده شدند و با هدایت مرکز دعوت در قاهره، به گسترش تعلیمات اسماعیلی در این نواحی پرداختند.^۳ با وجود این، در وضعیت اشاعه‌ی مذهب اسماعیلی در میان مردم مصر، تفاوت چندانی با دوره‌های پیش به وجود نیامد و منابع، گزارشی از تمایل مردم به این مذهب به دست نمی‌دهند.

با وجود تلاش برای اسماعیلی کردن مردم ولو با اجبار و سخت‌گیری، بنا بر مصالح سیاسی و اقتصادی،^۴ با اهل ذمه در دوره‌ی این خلیفه‌ی فاطمی، رفتار متفاوتی در پیش گرفته شد که در واقع سیاست مبتنی بر سخت‌گیری در قبال اهل ذمه، به خصوص مسیحیان را خنثی می‌کرد. در این دوره، روابط میان خلافت فاطمی و امپراتوری روم از سر گرفته شد و ظاهر در مقابل خوانده شدن خطبه، تنها به نام خلیفه‌ی فاطمی در مساجد سرزمین روم و نیز بازگشایی جامع قسطنطنیه، اجازه داد تا کلیسای القمامه بازگشایی شود (۴۱۸ق). همچنین تعداد زیادی از مسیحیانی که در دوره‌ی حاکم (حک: ۳۸۶-۴۱۱ق)، به اجبار اسلام آورده بودند، اجازه یافتند تا بار دیگر به دین سابق خود باز گردند.^۵ ظاهر در شرایطی که سیاست‌های مذهبی او نیز برای فراگیر کردن مذهب اسماعیلی در مصر با موفقیت چندانی روبه‌رو نشده بود، در ۴۲۷ق پس از پانزده سال امامت و خلافت درگذشت.^۶

نتیجه

^۱. *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمه الفاطميين الخلفاء*، ج ۲، ص ۱۷۵.

^۲. همان‌جا.

^۳. المؤید فی الدین هبة الله بن موسی الشیرازی، (۱۹۴۹)، *سیره المؤید فی الدین داعی الدعاء*، تقدیم و تحقیق محمد کامل حسین، القاهرة: دارالکتب المصری، ص ۵۵؛ *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمه الفاطميين الخلفاء*، ج ۲، ص ۱۶۸، ۱۸۱؛ *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، ج ۴، ص ۲۵۱.

^۴. ن.ک: *الدولة الفاطمية فی مصر تفسیر جدید*، ص ۱۲۲.

^۵. *المواعظ و الاعتبار بذکر الخط و الآثار معروف بالخط*، ج ۲، صص ۱۹۲-۱۹۳؛ *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمه الفاطميين الخلفاء*، ج ۲، ص ۱۷۶.

^۶. حسن ابراهیم حسن، (۱۹۸۸)، *تاریخ الدولة الفاطمية فی المغرب و مصر و سوریه و بلاد العرب*، القاهرة: مکتبه النهضة المصریة، ص ۱۶۹.

در دوره‌ی اقتدار (۳۶۲-۴۲۷ق)، از آنجایی که قدرت و زمام امور در دست خود خلفای فاطمی قرار داشت، اقدامات قابل توجهی برای ترویج مذهب اسماعیلی صورت گرفت. اقدامات دولت فاطمی، با رسمیت بخشیدن به مذهب اسماعیلی و اجرای شعایر این مذهب در مجامع و مراکز عمومی در مصر آغاز شد. رسمیت مذهب اسماعیلی به این معنی بود که دولت فاطمی کوشش خود را برای اشاعه‌ی عقاید اسماعیلی و جایگزینی آن با مذهب تسنن در مصر به کار خواهد بست. با انتقال مرکز دعوت اسماعیلی به شهر قاهره، دعوت اسماعیلی در آنجا سازماندهی گردید. سیاست استفاده از جامع الازهر برای اشاعه‌ی عقاید اسماعیلی در میان عامه‌ی مردم از زمان معز پایه‌ریزی شد. بزرگداشت اعیاد شیعی مثل غدیرخم و برگزاری مراسم عزاداری ایام محرم (روز عاشورا)، از جمله‌ی اقدامات دیگر فاطمیان برای آشنا کردن مردم مصر با عقاید شیعی-اسماعیلی و اشاعه‌ی مذهب اسماعیلی در این سرزمین بود.

در این میان، موانعی موجب ناکامی فاطمیان در اشاعه و فراگیر کردن مذهب اسماعیلی در میان اقشار مختلف مردم مصر شد. تسامح مذهبی فراوان فاطمیان با اهل سنت به عنوان اکثریت مردم مصر و نیز تساهل با اهل ذمه را می‌توان یکی از این موانع دانست. اتخاذ این سیاست، موجب شد مردم سنی‌مذهب مصر با استفاده از فضای تسامح‌آمیز مذهبی حاکم بر این دوره، عقاید مذهبی خودشان را حفظ کنند. از این‌رو، با وجود حاکمیت دولتی اسماعیلی، تفکر سنی‌گری در جامعه‌ی مصر تضعیف نگردید تا زمینه برای گروش آنها به تشیع اسماعیلی فراهم آید. از سوی دیگر، تسامح نامتعارف با اهل ذمه، خصوصاً در دوره‌ی عزیز، زمینه‌ی نارضایتی روزافزون رعایای سنی مذهب مصری را فراهم کرد و موجب افزون شدن فاصله و شکاف میان دولت فاطمی با مردم مصر گردید. حاکم که متوجه شده بود سیاست تسامح موجب خنثی شدن تلاش‌های فاطمیان برای اشاعه‌ی عقاید اسماعیلی در میان مردم می‌شود، درصدد تغییر سیاست مذهبی فاطمیان از تسامح به برخورد قهرآمیز و به عبارتی ذمی‌ستیزی و سنی‌ستیزی برآمد. اما نارضایتی روزافزون اهل سنت و همدلی آنها با شورش ابورکوه، در نهایت موجب شد حاکم به همان سیاست تسامح و مدارا روی آورد. سیاست‌های مذهبی ظاهر (حک: ۴۱۱-۴۲۷ق) برای گسترش مذهب اسماعیلی مانند تلاش برای اخراج علمای سنی مالکی (۴۱۶ق) از مصر و تشویق مردم برای یادگیری و از بر کردن کتاب‌های اعتقادی و فقهی اسماعیلی و نیز برقراری مناظرات مذهبی در جوامع، نتیجه‌ی چندانی در پی نداشت.

فهرست منابع و مأخذ

- ابن اثير، عزالدين على، (١٩٦٥)، *الكامل فى التاريخ*، بيروت: دار صادر - دار بيروت.
- ابن جوزى، ابوالفرج عبدالرحمن (١٣٥٩ق)، *المنتظم فى تاريخ الملوك و الأمم*، دائرة المعارف العثمانية.
- ابن سيرفى، ابوالقاسم على، (١٩٩٠)، *القانون فى ديوان الرسائل و الاشارة الى من نال الوزارة*، تحقيق أيمن فؤاد سيد، القاهرة: الدار المصرية اللبنانية.
- ابن أبيبك الدوادارى، ابوبكر عبدالله، (١٩٦١)، *كنز الدرر و جامع الغرر*، تحقيق صلاح الدين المنجد، القاهرة: المعهد الألمانى للأثار.
- ابن تغرى بردى، أبوالمحاسن يوسف، (١٩٦٣)، *النجوم الزاهرة فى ملوك مصر و القاهرة*، القاهرة: دارالكتب المصرية.
- ابن حماد، ابوعبدالله محمد بن على، (١٤٠١ق)، *أخبار ملوك بنى عبيد و سيرتهم*، تحقيق التهامى نقره و عبدالحليم عويس، قاهرة: دارالصحوة.
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، (١٩٨٨)، *ديوان المبتدأ و الخبر فى تاريخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوى الشأن الأكبر*، تحقيق خليل شحادة، بيروت: دار الفكر، الطبعة الثانية.
- ابن خلكان، شمس الدين ابوالعباس أحمد بن محمد، (١٩٦٩-١٩٧٢)، *وفيات الأعيان و أبناء الزمان*، تحقيق احسان عباس، بيروت: دارالثقافة.
- ابن عبدالظاهر، محيى الدين ابوالفضل عبدالله، (١٩٩٦)، *الروضه البهيه الزاهرة فى الخطط المعزیه القاهرة*، حققه أيمن فؤاد سيد، القاهرة: مكتبة الدار العربية للكتاب.
- ابن قلانسى، أبويعلى حمزة التميمى، (١٩٠٨)، *ذيل تاريخ دمشق*، تحقيق آمد روز، بيروت.
- ابن ميسر، تاج الدين محمد بن على بن يوسف، (١٩٨١)، *أخبار مصر*، حققه أيمن فؤاد سيد، القاهرة: المعهد العلمى الفرنسى للأثار الشرقية.
- إدريس عمادالدين، (١٩٨٥)، *تاريخ الخلفاء الفاطميين فى المغرب القسم الخاص من عيون الأخبار*، تحقيق محمد اليعلاوى، بيروت: الغرب الاسلامى.
- _____، (١٩٨٤)، *عيون الأخبار و فنون الآثار*، السبع السادس، حققه و كتب مقدمته مصطفى غالب، الطبعة الثانية، بيروت: دارالاندلس.

- انطاکی، یحیی بن سعید بن یحیی، (۱۹۹۰)، *تاریخ الانطاکی: المعروف بصلته تاریخ اوتینخا*، حققه عمر عبدالسلام تدمری، طرابلس: جروس برس.
- ایمن فؤاد سید، (۱۹۹۲)، *الدولة الفاطمية في مصر تفسير جديد*، القاهرة: الدار المصرية البنانية.
- بادکوبه، احمد و زینب فضلی، (۱۳۸۷)، «عوامل ناکامی مراکز رسمی آموزشی و تبلیغی فاطمیان در گسترش مذهب اسماعیلی در مصر»، *نیمسال نامه‌ی تاریخ و تمدن اسلامی*، سال چهارم، شماره‌ی هشتم، ۱۹-۴۴، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- حسن ابراهیم حسن، (۱۹۸۸)، *تاریخ الدولة الفاطمية في المغرب و مصر و سوریه و بلاد العرب*، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- داچ، بایارد، (۱۳۶۷)، *دانشگاه الزهر: تاریخ هزار ساله‌ی تعلیمات عالی*، ترجمه‌ی آذرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دفتری، فرهاد، (۱۳۷۵)، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز.
- صفدی، صلاح‌الدین خلیل بن ابیبک، (۱۹۸۸)، *الوافی بالوفیات*، تحقیق مجموعه‌ی من‌العلماء، بیروت: النشرات الإسلامية.
- عبدالمنعم ماجد، (۱۹۹۴)، *ظهور الخلافة الفاطمية و سقوطها في مصر*، الطبعة الرابعة، القاهرة: دارالفکر العربی.
- عیش، یوسف، (۱۳۷۲)، *کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی (بین‌النهرین، سوریه و مصر)*، ترجمه‌ی اسدالله علوی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- علم الاسلام ثقة الامام، (۲۰۰۶ م)، *المجالس المستنصرية*، بیروت: مؤسسه‌ی النور للمطبوعات.
- علم‌الدین، سلیمان سلیم، (۱۹۹۸)، *دعوة التوحيد الدرزيه*، بیروت: نوفل.
- علی ابراهیم حسن، (۱۹۶۳)، *تاریخ جوهر الصقلی*، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- فارقی، احمد بن یوسف بن علی بن الارزق، (۱۹۵۹)، *تاریخ الفارقی*، حققه و قدم له بدوی عبداللطیف عوض، راجعه محمد شفیق غربال، القاهرة: الهيئة العامة لشئون المطابع الامیریة.

- قاضى النعمان بن محمد المغربى التميمى، (١٩٩٦)، *المجالس و المسائرات*، تحقيق الحبيب الفقى، ابراهيم مثنوح و محمد العيلاوى، بيروت: دار المنتظر.
- قلقشندى، شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن على، (١٩٣٨)، *صُبح الأعشى فى صناعة الإنشاء*، القاهرة: دارالكتب المصرية.
- المؤيد فى الدين هبة الله بن موسى الشيرازى، (١٩٤٩)، *سيرة المؤيد فى الدين داعى الدعاء*، تقديم و تحقيق محمد كامل حسين، القاهرة: دارالكتب المصرى.
- مقرىزى، احمد بن على، (١٩٥٧)، *الانغائة الائمة بكشف الغمة*، تحقيق محمد مصطفى زيادة و جمال الدين الشيبالى، القاهرة: بى نا.
- _____، (١٤١٨ق)، *المواعظ و الاعتبار بذكر الخط و الآثار معروف بالخط*، تحقيق خليل المنصور، بيروت: دار الكتب العلمية.
- _____، (١٩٩٦)، *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء*، تحقيق جمال الدين الشيبالى و محمد حلمى محمد أحمد، القاهرة: المجلس الأعلى للشئون الاسلامية.
- _____، (١٩٨٧)، *المقفى الكبير (تراجم مغربية و المشرقية من الفترة العبيدية)*، تحقيق محمد العيلاوى، بيروت: دارالغرب الاسلامى.
- ناصر خسرو قباديانى مروزى، (١٣٨١)، *سفرنامهى ناصر خسرو*، به كوشش محمد دبیرسیاقى، چاپ هفتم، تهران: انتشارات زوار.
- نویرى، شهاب الدين احمد، (١٤٢٣ق)، *نهاية الأرب فى فنون الأدب*، القاهرة: دار الكتب و الوثائق القومية.
- واكر، پل اى، (١٣٨٣)، *پژوهشى در يکى از امپراتورى هاى اسلامى: تاريخ فاطمیان و منابع آن*، ترجمه‌ى فریدون بدره‌اى، تهران: فرزانه روز.
- _____، (١٩٨٠)، *حميدالدين الکرمانى*، ترجمه‌ى سيفالدين القصير، دمشق: المدى.
- همدانى، حسين بن فيض الله، (١٩٨٦)، *الصليحيون و حركة الفاطمية فى اليمن*، بالاشتراك مع حسن سليمان محمود الجهينى، مدينة صنعاء.
- Canard, M. (١٩٩١), " F\$•IMIDS ", *Encyclopedica of Islam* , vol. II, New Edition, Leiden: E J.Brill.

- Jiwa, Shanjool, (۲۰۰۳), "*Religious Pluralism in Egypt*", The Institute of Ismaili Studies, www.iis.ac.uk/articles.
- Lane – pool, stanly, (۱۹۸۴), *catalogue of the collection of Arabic coins*, AL- Arab shop.
- Lev, Yaacov. (۱۹۹۱), *State and Society in Fatimid Egypt*, Leiden: E.J Brill.
- Mann, Jacob, (۱۹۲۰), *The Jews in Egypt and in Palestin under the Fatimid Caliphs*, Oxford University Press.
- Sanders, Paula A, (۱۹۹۸), '*The Fatimid State*', *The Cambridge History of Egypt*, vol. I (*Islamic Egypt ۶۴۰-۱۵۱۷*), ۱۵۱-۱۷۴, edited by Carl F. Petry, Cambridge University Press.
- Stewart, Devin J(۱۹۹۶), "*Popular Shiism in Medieval Egypt: Vestiges of Islamic Secearian Polemics in Egyptian Arabic*", *Studica Islamica*, , PP. ۳۵-۶۶, (November) ۸۴.
- Walker, Paul E, (۱۹۹۸), "*The Ismā' īlī Da' wa and the Fātimimid caliphate*", *The Cambridge History of Egypt*, vol. I(*Islamic Egypt ۶۴۰-۱۵۱۷*), ۱۲۰-۱۵۰, edited by Carl F. Petry, Cambridge University Press.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.